

از بوی خوش پرداخته شده است. در احادیث امامان علیهم السلام کاربرد عطر و بوی خوش از اخلاق پیامبران شمرده شده است.^۲ نیز بر پایه منابع تاریخی و حدیثی، اهتمام و التزام به کاربرد بوی خوش و استفاده از عطر در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام به چشم می‌خورد^۳ و در احادیث هم بدان سفارش شده^۴ و بویژه در مواردی مستحب مؤکد به شمار رفته است؛ از جمله کاربرد عطر در روز جمعه^۵ و برای حضور در نماز جمعه^۶ و نمازهای عید فطر و عید قربان^۷ و نیز هنگام زیارت مرقد مطهر پیامبر و امامان.^۸ با این همه، بر پایه برخی علل و حکمت‌ها، در مواردی ویژه، فقیهان این کار را ممنوع یا مکروه شمرده‌اند که در این جا می‌توان به این احکام اشاره کرد: کراهت استنشام گل

۲. الکافی، کلینی، ج ۶، ص ۵۱۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۱؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۴۲-۱۴۴.
۳. نک: صحیح البخاری، ج ۷، ص ۵۹-۶۱؛ الطیقات، ج ۱، ص ۳۹۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۴۹-۱۵۰؛ ج ۱۴، ص ۲۳۷.
۴. نک: مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۴۱-۱۵۳.
۵. الکافی، کلینی، ج ۶، ص ۵۱۱؛ المحلی، ج ۲، ص ۸-۹؛ ج ۵، ص ۲۶۴-۳۶۶، ۳۶۴-۳۹۵.
۶. مراسم، ص ۷۷؛ الاستذکار، ج ۱، ص ۳۶۴؛ اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۹۷.
۷. الام، ج ۱، ص ۲۸۴؛ الاستذکار، ج ۱، ص ۳۶۴؛ مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۵۷۵.
۸. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹۰؛ اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۳۵۵؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۹۴۷-۹۵۹.

دیگران، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۸ش؛ Burkinafaso 2nd Edition, Karind؛ Manson James Knight, USA, Bradt travel Burkinafaso foreign Policy؛ Guides, 2012 and Government Guide, VI, USA International Business Publications- USA- Ethnic Groups؛ Int.l Publications, 2001 Worldwide؛ A Ready Reference Group. David Levinson, USA, Green wood Publishing Group, 1998

سید حمید رضا نجفی



بوسنی ← بالکان

بوی بد ← بوی خوش

بوی خوش: از محرّمات احرام

از کارهای ممنوع در حال احرام، هرگونه بهره بردن از بوی خوش، خواه بوییدن عطرها و خواه آغشتن لباس و بدن به مواد خوشبو کننده و خواه دیگر کاربردها مانند خوردن، لمس کردن و مالیدن آن‌ها است. این موضوع در مبحث حج منابع فقهی با عنوان «طیب» که در لغت به معنای عطر و هر چیز خوشبو است^۱، در باب محرّمات احرام^۲ یاد گشته و در آن به حکم فقهی گونه‌های انتفاع احرام گزار

۱. العین، ج ۲، ص ۸، «عطر»: الصحاح، ج ۱، ص ۱۷۳، «طیب»؛ ج ۲، ص ۷۵۱، «عطر»: لسان العرب، ج ۱، ص ۵۶۵، «طیب».

خوشبو هنگام روزه^۱، حرمت به کارگیری بوی خوش برای زنی که در عده وفات به سر می‌برد^۲، و حرمت^۳ یا کراهت^۴ کاربرد بوی خوش هنگام اعتکاف. حکمت این ممنوعیت را برای احرام گزار، دوری او از آسایش طلبی، لذت جویی و پیرایه‌های دنیوی و روی آوردن و اهتمام به مقاصد اخروی یاد کرده‌اند.^۵

◀ حرمت کاربرد بوی خوش:

مهم‌ترین حکم فقهی درباره «طیب» در باب محرّمات احرام، حرمت کاربرد بوی خوش است که بر حسب گونه ماده خوشبوکننده، انواع گوناگون دارد. در منابع فقهی ذیل این موضوع، هم به حکم کاربرد بوی خوش پیش از احرام و هم به گستره حکم حرمت در حال احرام پرداخته شده است. گستره حکم از یک سو به انواع و مصداق‌های حرام «طیب» و از سوی دیگر به گونه‌های ممنوع کاربرد بوی خوش بازمی‌گردد.

۱۷. کاربرد بوی خوش پیش از احرام:

به باور فقیهان امامی، در صورتی که بوی عطر

در بدن یا لباس تا هنگام احرام زوال یابد یا قابل رفع باشد، کاربرد آن پیش از احرام مباح و در غیر این صورت، حرام است.^۶ به باور آنان، افزون بر دلیل‌های خاص این حرمت^۷، ادله حرمت استعمال بوی خوش برای مُحرم (← ادامه مقاله) هم شامل کاربرد آغازین عطر می‌شود و هم ادامه دادن آن در حال احرام. (← استدامه)^۸ همچنین به باور امامیان^۹، آغستن بدن به روغن خوشبو پیش از احرام در صورتی که بوی آن تا هنگام احرام باقی بماند، به پشتوانه احادیث^{۱۰} حرام است. البته به تصریح برخی فقها، این ممنوعیت را باید منوط بدان دانست که وقت محرم شدن تنگ و بوی خوش غیر قابل رفع باشد. اما در صورتی که زمان احرام موسّع باشد، چنین حرمتی وجود ندارد. نهایت آن که هنگام احرام باید ماده خوشبو را برطرف ساخت.^{۱۱} از این رو، برخی فقها بدین استدلال که در غیر حال احرام خودداری از مواد خوشبو لازم نیست، این حرمت را

۶ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۲۶، ۳۳۳؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۹۵؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۹۲.

۷ نک: تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۲۶-۲۲۷.

۸ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۶؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۷۰-۴۷۱؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۳۹۵، ۳۹۸.

۹ المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۲۱؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۶۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۷۴-۳۷۵.

۱۰ نک: وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۶۰-۴۶۲.

۱۱ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۶۰-۲۶۱؛ نک: جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۷۵.

۱. مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۳۴۹؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۳۵؛

الحدائق، ج ۱۳، ص ۱۵۸-۱۶۰.

۲. المبسوط، طوسی، ج ۵، ص ۲۶۳-۲۶۴؛ المدونة الكبرى، ج ۲، ص ۴۳۱.

۳. النهایه، ص ۱۷۲؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۱؛ نک: المجموع، ج ۶، ص ۵۲۸.

۴. نک: المجموع، ج ۶، ص ۵۲۸.

۵. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۷۴؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۴۱؛ ج ۸، ص ۱۱۲؛ عمدة القاری، ج ۲، ص ۲۲۳.

حرمت، حدیث یعلی بن امیه^۹ است که بر پایه آن، پیامبر ﷺ به شخصی که بدن و لباسش آغشته به عطر بود، دستور فرمود که هنگام احرام، بدن خود را بشوید و لباس خود را در آورد. پیروان نظر مشهور در دلالت این حدیث مناقشه کرده و گفته‌اند که صدور این حدیث در سال هشتم ق. بوده و گزارش‌های یاد شده از سیره نبوی به سال دهم ق. بازمی‌گردد و حکم اول نسخ شده است.^{۱۰} مخالفان به پشتوانه برخی روایت‌های متعارض با گزارش عایشه، گفته‌اند که پیامبر هنگام احرام آثار عطر را از بدن خود زدود؛ همچنان که از روایتی دیگر این نکته استنباط شده است.^{۱۱} برخی از آنان نیز مفاد این گزارش را بر فرضی حمل کرده‌اند که آثار عطر تا هنگام احرام باقی نمانده باشد^{۱۲} و یا آن را حکمی ویژه او دانسته‌اند.^{۱۳}

در فقه اهل سنت، در این زمینه سخنانی دیگر نیز یاد شده است^{۱۴}، از جمله: مستحب نبودن کاربرد طیب پیش از احرام برای زنان، حرمت این کار برای زنان یا مردان و زنان در صورت باقی ماندن عین ماده خوشبوکننده.

۹. مسند احمد، ج ۴، ص ۲۲۴؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۴-۵.
 ۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۲۲۷-۲۲۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۲۲.
 ۱۱. نک: المجموع، ج ۷، ص ۲۲۳.
 ۱۲. المجموع، ج ۷، ص ۲۲۳؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۲۲۷.
 ۱۳. أضواء البیان، ج ۵، ص ۸۶-۸۷.
 ۱۴. المجموع، ج ۷، ص ۲۱۸؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۷۹.

نمی‌پذیرند و به پشتوانه احادیث یاد شده، به کراهت باور دارند. البته به باور آن‌ها، ازاله بوی خوش در هنگام احرام واجب است.^۱

به باور مشهور فقیهان اهل سنت^۲، خوشبو ساختن بدن پیش از احرام برای کسی که قصد احرام دارد، مستحب و خوشبو ساختن لباس پیش از احرام جایز است؛ خواه آثار عطر و حتی عین آن تا هنگام احرام باقی بماند و خواه نماند. شافعی کاربرد زعفران را به پشتوانه حدیثی، برای مردان حرام شمرده است.^۳ دلیل نظر مشهور، گزارش‌هایی است منقول از عایشه^۴ که پیامبر ﷺ در حجة الوداع هنگام احرام مواد خوشبوکننده به کار برد.^۵ در برابر، برخی فقیهان اهل سنت، از جمله مالک بن انس و برخی مالکیان^۶ و نیز محمد بن حسن شیبانی^۷ از حنفیان این کار را مکروه شمرده‌اند. حتی به مالک اعتقاد به حرمت نیز نسبت داده شده است.^۸ پشتوانه اصلی باور به کراهت یا

۱. الوسیله، ص ۱۶۴؛ نک: جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۷۵.
 ۲. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۰۰-۴۰۱؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۲۶-۲۲۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۱۸، ۲۲۱-۲۲۲.
 ۳. الام، ج ۲، ص ۱۶۵؛ ج ۷، ص ۲۲۷.
 ۴. مسند احمد، ج ۶، ص ۱۸۶؛ صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۴۵.
 ۵. الام، ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۵؛ ج ۷، ص ۲۲۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۲۲.
 ۶. بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۶۳-۲۶۴؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۳۱-۲۳۲.
 ۷. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۴۴.
 ۸. تنویر الحوالک، ص ۳۱۲؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۳۱-۲۳۲؛ أضواء البیان، ج ۵، ص ۸۵.

بسیاری از فقیهان اهل سنت فتوا داده‌اند که اگر احرام گزار لباسی را که پیش از احرام معطر ساخته، در حال احرام درآورد، پوشیدن آن دیگر بار جایز نیست.^۱

۲.۷. گستره حرمت طیب

۱. **أ. مصداق‌های «طیب» حرام:** به باور بیشینه قریب به اتفاق فقیهان امامی^۲ و همه فقیهان اهل سنت^۳، خودداری احرام گزار از هرگونه ماده خوشبوکننده که عرف آن را عطر (طیب) بشمارد، واجب و کاربرد آن با شروطی ویژه (← ادامه مقاله) حرام است. پشتوانه اهل سنت^۴ و امامیان^۵ احادیث گوناگون است که از تعابیر آن‌ها عمومیت استفاده می‌شود و همه انواع طیب را در بر می‌گیرد. ممنوعیت یاد شده شامل شخصی که در حال احرام فوت کند و نیز کودک احرام گزار هم می‌گردد.

کاربرد مواد خوشبو مانند کافور برای غسل دادن میت محرم، یعنی احرام‌گزاری که پیش از تحلل در گذشته، نیز به پشتوانه احادیث در

فقه امامی^۶، حنبلی و شافعی ممنوع به شمار رفته است. همچنین کسی که مسؤولیت احرام دادن کودکی را بر عهده دارد، به باور برخی فقیهان باید مراقب خودداری کودک محرم از کاربرد بوی خوش باشد.^۷

برخی فقیهان امامی، از جمله شیخ طوسی، در برخی آثار خود، به پشتوانه احادیث^۸ که تنها چندگونه خوشبوکننده را بر محرم ممنوع ساخته‌اند، تنها چهار^۹ یا پنج^{۱۰} یا شش^{۱۱} گونه ماده معطر را مشمول این حکم دانسته‌اند که عبارتند از: مُشک، عود، عنبر، زعفران، کافور، و اسپرک (وَرَس). به باور این فقیهان، احادیث یاد شده مخصّص احادیث عام است.^{۱۲} برخی از اینان خودداری از دیگر مواد خوشبوکننده را برای احرام گزار مستحب و کاربرد آن‌ها را مکروه دانسته‌اند.^{۱۳} از پشتوانه‌های این سخن، تعبیر «لاینبغی» در برخی احادیث عام است که مقصود از آن را کراهت شمرده‌اند.^{۱۴} مهم‌ترین

۶. المقننه، ص ۴۴۰؛ الحدائق، ج ۳، ص ۴۳۱؛ نک: وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۰۳-۵۰۵.

۷. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۲۹؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۲۸.

۸. نک: التهذیب، ج ۵، ص ۲۹۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۴۶.

۹. الجامع للشرائع، ص ۱۸۳؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۶۸.

۱۰. المهذب، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۲.

۱۱. النهایه، ص ۲۱۹؛ الوسیله، ص ۱۶۲.

۱۲. الاستبصار، ج ۲، ص ۱۸۰؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۳.

۱۳. النهایه، ص ۲۱۹.

۱۴. ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۵۹۱؛ قس: الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۱۶-۴۱۷.

۱. المغنی، ج ۳، ص ۲۲۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۱۸.

۲. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۱۹؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۴؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۲۳.

۳. بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۶۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۹۳؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۶۹.

۴. المغنی، ج ۳، ص ۲۹۳.

۵. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۷۰-۷۱؛ مدارک الاحکام، ج ۷،

ص ۳۱۹-۳۲۰؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۱۳-۴۱۶.

یکسان نیستند.^۵ مثلاً گیاه حنا را مالک و شافعی و احمد حنبل و امامیان، بر خلاف ابوحنیفه، طیب نمی‌دانند^۶ و روغن بنفشه را حنبلیان، مالکیان و حنفیان^۷ بر خلاف شافعیان و برخی امامیان^۸ طیب به شمار آورده‌اند. همچنین کاجیره (عُصْفُر) به باور احمد حنبل و شافعیان و امامیان طیب نیست؛ ولی به باور مالک و محمد بن حسن شیبانی، از حنفیان، طیب است.^۹ بیشتر این مصداق‌های مناقشه‌برانگیز را می‌توان در دو گروه اصلی جای داد: گیاهان خوشبو و خوراکی‌های خوشبو.

◀ برخی مصداق‌های مهم «طیب»

▼ **۱. گیاهان خوشبو:** برخی منابع فقهی امامی^۱ و اهل سنت^{۱۱} گیاهان خوشبو را سه‌گونه دانسته‌اند: ۱. گیاهانی که به سبب معطر بودن کاشته نمی‌شوند و از آن‌ها عطر

دلیل‌های ضعف دیدگاه غیر مشهور، به باور پیروان دیدگاه مشهور (تعمیم مصداق‌های طیب) عبارتند از: امکان مناقشه در سند و دلالت احادیث دلالت‌گر بر حصر، وجود مناط حرمت در همه انواع طیب، وجود اختلاف در این روایت‌ها و فراوانی احادیث عام دلالت‌گر بر حرمت هرگونه طیب.^۱ برخی فقیهان پسین پیرو این دیدگاه، التزام به سخن مشهور را سازگار با احتیاط شمرده‌اند.^۲ پاره‌ای منابع فقهی با وجود پذیرش نظر مشهور، گویا به پشتوانه ادله یاد شده، حرمت کاربرد این چند ماده یاد شده را مؤکد می‌دانند.^۳

بر پایه دیدگاه مشهور، هر چیز که عرفاً «طیب» به شمار رود، یعنی هر چیز خوشبو که غرض اصلی یا آشکار از کاربردش بوی خوش آن باشد، مشمول حکم حرمت است.^۴ با این همه، در فقه اسلامی درباره صدق عنوان «طیب» بر برخی چیزهای خوشبو اختلافات جدی وجود دارد و همه مصداق‌های طیب ممنوع، به باور پیروان مذاهب گوناگون

۱. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۷۰-۷۱: مجمع الفائدة، ج ۶ ص ۲۸۴-۲۸۵.
۲. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۲۲: المعتمد، ج ۴، ص ۱۱۸-۱۲۰؛ مناسک حج، ص ۲۰۶.
۳. نک: المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۱۹؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۲۳؛ جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۸۰.
۴. المعنی، ج ۳، ص ۴۹۳؛ معنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۲۰؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۱۳؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۴.

۵. نک: المجموع، ج ۷، ص ۲۷۴-۲۷۶-۲۷۹، ۲۸۰؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۰۶-۳۰۷؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۳۴۵.
۶. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۲؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۸۲؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۸۴.
۷. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۵۶؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۰؛ المعنی، ج ۳، ص ۳۰۰.
۸. نک: المجموع، ج ۷، ص ۲۸۰؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۸۷؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۹۲.
۹. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۶؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۸۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۲۴-۴۲۵.
۱۰. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۲؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۶-۲۷.
۱۱. المعنی، ج ۳، ص ۲۹۳-۲۹۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۷-۲۷۸.

گرفته نمی‌شود، مانند گیاهان صحرایی از جمله اذخر و شب‌بو و درمنه و گل‌های میوه‌ها. (ادامه مقاله: خوراکی‌های خوشبو)

۲. گیاهانی که به سبب خوشبو بودن تکثیر می‌شوند و از آن‌ها عطر هم به دست می‌آید؛ مانند گل سرخ، بنفشه، یاسمن و نیلوفر.

۳. گیاهانی که به سبب معطر بودن کاشته می‌شوند، ولی از آن‌ها عطر به دست نمی‌آید؛ مانند گل نرگس، ریحان و مرزنجوش. بیشینه قریب به اتفاق فقیهان امامی^۱ و اهل سنت^۲ کاربرد گونه اول از گیاهان خوشبو را بر احرام‌گزار حرام نمی‌دانند؛ چنان‌که در حدیثی^۳ از امام صادق (علیه السلام) کاربرد گیاهان صحرایی یاد شده تجویز گشته است. ولی درباره دو گونه دیگر اختلاف نظر وجود دارد: برخی^۴ کاربرد گونه دوم و برخی^۵ از جمله شافعی، استعمال گونه سوم آن‌ها را ممنوع شمرده‌اند، به ویژه گونه دوم که مصداق‌های آن به تصریح برخی فقیهان «طیب» به شمار می‌روند. شماری از فقیهان هم در دو گونه

اخیر یا یکی از آن‌ها قائل به جواز یا کراهت شده‌اند.^۶

بسیاری از فقیهان امامی و اهل سنت کوشیده‌اند برای استفاده احرام‌گزار از گل‌ها با عنوان عام «ریاحین» حکمی فراگیر بیان کنند. برخی فقها^۷ از جمله مالکیان و بیشتر امامیان، همه ریاحین را مکروه شمرده‌اند و برخی^۸ از جمله شافعیان و شماری از امامیان آن را حرام دانسته‌اند. در فقه حنفی، هر دو قول کراهت^۹ و حرمت^{۱۰} گزارش شده است. پشتوانه برخی قائلان به حرمت، احادیثی^{۱۱} است که فقیهان دیگر آن‌ها را اصالتاً یا در مقام جمع میان روایات، بر کراهت حمل کرده‌اند.^{۱۲} احادیث یاد شده از پشتوانه‌های حرمت کاربرد گیاهان گونه دوم در تقسیم سه‌گانه پیشین است.^{۱۳}

▼ ب. خوراکی‌های خوشبو: به تصریح

۶. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۲؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۹۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۶-۲۷۸.

۷. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۵۶؛ المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۱۹؛ مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۰.

۸. الام، ج ۲، ص ۱۶۵، ۱۶۶؛ المقنعه، ص ۴۳۲؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۱۹.

۹. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۱.

۱۰. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۳.

۱۱. الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۳۵۳-۳۵۴؛ التهذیب، ج ۵، ص ۳۰۷.

۱۲. نک: مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۷۱-۷۲؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۱۹؛ مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۰-۵۱.

۱۳. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۲۴.

۱. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۰۴-۳۰۵؛ مجمع الفائدة، ج ۶، ص ۲۸۶-۲۸۷.

۲. المغنی، ج ۳، ص ۲۹۳-۲۹۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۷-۲۷۸.

۳. الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۳۵۵.

۴. المغنی، ج ۳، ص ۲۹۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۷؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۷.

۵. المغنی، ج ۳، ص ۲۹۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۸؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۷.

پشتوانه ادله عام و نیز احادیث خاص، از جمله تعبیر «او طعاما فیه طیب»^{۱۲}، خوردن غذایی که شامل مواد معطر مانند زعفران باشد، بر محرمان حرام است. البته حرمت خوراك یاد شده منوط بدان است که ماده معطر در غذا مستهلك نشده باشد. (← همین مقاله: موارد استثنا) مالکیان و برخی حنفیان در صورتی که خوراك آغشته به طیب، مطبوخ و پخته باشد، به سبب استحاله طیب در غذا، خوردن آن را جایز دانسته‌اند.^{۱۳}

◀ **انواع کاربردهای حرام طیب:** بر پایه مذاهب گوناگون فقهی، در هر يك از مصداق‌های طیب، يك یا چند کاربرد آن بر احرام گزاران ممنوع است. (← ادامه مقاله) به گفته شماری از فقیهان امامی^{۱۴}، در احادیث مربوطه تنها بر سه گونه کاربرد یعنی بوییدن، تناول کردن و مالیدن عطر تأکید شده است. با این همه، به تصریح برخی امامیان^{۱۵}، می‌توان به پشتوانه اجماع و ادله دیگر «استعمال طیب» را شامل همه گونه‌های کاربرد بوی خوش دانست. آرای مذاهب گوناگون درباره شمول حکم حرمت بر برخی از انواع کاربرد طیب مختلف است. اما می‌توان مهم‌ترین انواع

فقیهان امامی^۱ و اهل سنت^۲ میوه‌های خوشبو مانند سیب و نیز عصاره آن‌ها^۳ در شمار گونه اول نباتات در تقسیم پیشین قرار می‌گیرد و خوردن آن‌ها از آن رو که «طیب» به شمار نمی‌روند، برای احرام گزار جایز است. در حدیثی^۴ از امام صادق (علیه السلام) جواز خوردن میوه‌ها چنین تعلیل شده که آن‌ها «طعام» هستند، نه «طیب». البته شیخ طوسی^۵ خودداری از آن‌ها را اولی شمرده است. بوییدن میوه‌های خوشبو را نیز بیشتر فقیهان جایز دانسته‌اند؛ ولی این کار در برخی احادیث شیعی^۶ ممنوع به شمار رفته و بسیاری از امامیان به پشتوانه همین دلیل، به حرمت بوییدن آن‌ها باور دارند.^۸ برخی از آن‌ها به پشتوانه ادله دیگر، از تلازم میان خوردن و استشمام، به جواز آن معتقدند.^۹ به باور فقیهان امامی^{۱۰} و اهل سنت^{۱۱}، به

۱. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۲؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۶.
۲. المغنی، ج ۳، ص ۲۹۳-۲۹۴؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۵۶؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۲۳.
۳. نک: المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۲.
۴. الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۳۵۶.
۵. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۲.
۶. الشرح الکبیر، ابن قدامه، ج ۳، ص ۲۸۲؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۶-۲۷.
۷. الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۳۵۶؛ التهذیب، ج ۵، ص ۳۰۵-۳۰۶.
۸. نک: مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۷۲-۷۳؛ مناسک حج، ص ۲۰۷.
۹. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۱۲-۴۱۳؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۲۱-۱۲۲.
۱۰. المقنع، ص ۲۳۱؛ المقنعه، ص ۲۹۷؛ المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۱۹، ۳۵۳.
۱۱. روضة الطالبین، ج ۶، ص ۳۸۴؛ البحر الرائق، ج ۳، ص ۶؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۹۹.

۱۲. الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۳۵۴؛ التهذیب، ج ۵، ص ۷۱.
۱۳. الموطأ، ج ۱، ص ۳۳۰؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۱؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۳۱.
۱۴. مجمع الفائدة، ج ۶، ص ۲۸۴؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۶.
۱۵. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۶؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۲۰.

یاد شده دانسته‌اند.^۸ البته درباره برخی انواع یاد شده سخنان نادری جز حرمت، مانند کراهت و جواز، در منابع فقهی یاد شده است؛ از جمله: کراهت کاربرد روغن خوشبو^۹ و کراهت کاربرد سرمه خوشبو.^{۱۰}

از سوی دیگر، به تصریح فقیهان امامی^{۱۱} و اهل سنت^{۱۲} همه کارهای مربوط به مواد خوشبوکننده بر احرام گزار حرام نیست؛ بلکه کارهایی که بهره بردن از بوی خوش (به تعبیر فقها: «استعمال طیب» و «انتفاع طیب») به شمار نمی‌روند، جایز است؛ همچون: دیدن و خرید و فروش عطر و عبور کردن از محل فروش عطر. به گفته علامه حلی، «استعمال طیب» عبارت است از بوییدن عطر، مالیدن آن به بدن و لباس و چسباندن ماده معطر به آن دو به قصد خوشبو شدن.^{۱۳} به باور او، درباره هر چیز که بیشترین کاربرد آن، خوشبو کردن باشد، دیگر کاربردها مانند خوردن و کاربرد دارو در حال احرام ممنوع است؛ ولی کاربرد چیزهایی که بیشتر استعمالی چون خوردن یا معالجه دارند،

کاربرد بوی خوش را که در بیشتر مذاهب برای احرام گزاران ممنوع به شمار رفته، چنین برشمرد: آغشتن بدن و لباس به مواد خوشبوکننده (عطر زدن به بدن و لباس)^۱، خوردن و آشامیدن طیب^۲، مالیدن روغن خوشبو به بدن^۳، سرمه کشیدن با مواد معطر^۴، پوشیدن لباس معطر^۵ و انتفاع از عطر به شکل بخور.^۶ پشتوانه این سخنان، احادیث عام دلالت‌گر بر حرمت کاربرد بوی خوش در حال احرام و نیز احادیث خاص دلالت‌گر بر کاربردهای یاد شده است.^۷ همچنین احادیث دلالت‌گر بر حرمت کاربرد بوی خوش برای غسل میت^۸ محرم و نیز احادیث دلالت‌گر بر حرمت کاربرد روغن خوشبو پیش از احرام را به طریق اولی دال بر حکم حرمت در موارد

۱. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۲-۱۲۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۹۳-۲۹۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۶۹-۲۷۱؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۶-۳۷۸.
۲. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۱؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۹۹؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۶۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۲۳.
۳. المغنی، ج ۳، ص ۳۰۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۴، ۲۷۹-۲۸۰؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۵۰۰.
۴. المجموع، ج ۷، ص ۲۶۹، ۲۸۱، ۳۵۳؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۵۴؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۶۱.
۵. المغنی، ج ۳، ص ۲۹۵؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۸۰؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۲۵.
۶. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۶؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۱-۲۷۲؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۹۹.
۷. نک: المجموع، ج ۷، ص ۲۷۱-۲۷۲؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۶؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۹۹.

۸. المغنی، ج ۳، ص ۲۹۳؛ مجمع الفائده، ج ۶، ص ۲۸۲؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۵۰۰-۵۰۲.
۹. نک: الدرر، ج ۱، ص ۳۷۴.
۱۰. المهذب، ج ۱، ص ۲۲۱-۲۲۲.
۱۱. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۱۹، ۳۵۳؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۲۷؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۷۹-۲۸۰.
۱۲. الام، ج ۲، ص ۱۶۶-۱۶۷، ۲۲۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۰۲؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۸۱.
۱۳. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۵.

محرم ممنوع است؛^۸ ولی برخی شافعیان استشمام گلاب را بدین استناد که این استفاده کاربرد غالب آن نیست، حرام ندانسته‌اند.^۹

▼ ۲. **تماس با ماده خوشبو:** به باور شماری از فقیهان امامی^{۱۰} و اهل سنت^{۱۱}، مالیدن دست یا هر نقطه بدن یا لباس به ماده خوشبوکننده، حرام و موجب کفاره است، بدین شرط که آن ماده مرطوب باشد یا خشک ولی به صورت پودر باشد و یا عین ماده به بدن یا لباس بچسبد و آن را خوشبو کند؛ و گر نه حرام نیست.

▼ ۳. **استفاده از فرش یا فراش معطر:** بر پایه دیدگاه شماری از فقیهان، کاربرد فرش یا فراش معطر برای نشستن یا خوابیدن اصولاً بر محرم حرام است.^{۱۲} ولی اگر بر فرش عطر آلود پارچه‌ای قرار گیرد که مانع خوشبو شدن لباس احرام گزار و تماس با ماده معطر باشد، نشستن یا خوابیدن بر آن بر فرد محرم جایز است.^{۱۳}

▼ ۴. **نشستن نزد عطر فروش یا شخص خوشبو:** به باور فقیهان امامی^{۱۴} و

بر احرام گزار جایز است.^۱

◀ موارد اختلافی کاربردهای حرام

طیب: درباره حکم فقهی برخی کاربردهای بوی خوش در حال احرام، میان مذاهب اسلامی و حتی گاه میان فقیهان یک مذهب فقهی، اختلاف نظر وجود دارد یا در منابع فقهی آرای تفصیلی یاد شده است؛ یعنی حرمت کاربرد طیب منوط به تحقق قیود و شروطی گشته است. برخی از این قبیل کاربردهای بوی خوش عبارتند از:

▼ ۱. استشمام عمدی بوی خوش:

بویدن عطر از روی عمد بر پایه فقه امامی^۲ و حنبلی^۳ بر احرام گزار حرام است. شافعیان^۴ در برخی مصداق‌های طیب مانند گل‌ها و مالکیان^۵ در عطرها دارای اثر ماندگار (به تعبیر آنان: «طیب مؤث») به حرمت استشمام باور دارند. ولی مالکیان^۶ در دیگر عطرها («طیب مذکر») و حنفیان^۷ به طور کلی بویدن را مکروه شمرده‌اند. به دیدگاه مشهور فقهی، بویدن گلاب مانند بویدن گل خوشبو بر

۱. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۰۶.

۲. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۶؛ مجمع الفائده، ج ۶، ص ۲۸۴؛

مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۶.

۳. المغنی، ج ۳، ص ۳۰۱-۳۰۲.

۴. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۶۰.

۵. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۲۳، ۲۲۸.

۶. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۲۳، ۲۲۸.

۷. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۳؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۱.

۸. المغنی، ج ۴، ص ۳۰۰؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۶؛ کشاف القناع، ج ۲، ص ۴۹۹.

۹. المجموع، ج ۷، ص ۲۷۲.

۱۰. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۳؛ الوسیله، ص ۱۶۹؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۸.

۱۱. الام، ج ۲، ص ۱۶۵؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۹۴-۲۹۵؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۲، ۲۷۵.

۱۲. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۶؛ ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۵۹۲.

۱۳. المجموع، ج ۷، ص ۲۷۲-۲۷۳؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۲۸.

۱۴. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۳؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۷۳.

اهل سنت^۱، نشستن احرام گزار نزد عطرفروش و نیز کسی که به خود عطر زده، جایز است و به باور برخی از آن‌ها مکروه به شمار می‌رود. برخی فقها^۲ جواز این کار را منوط به آن دانسته‌اند که بوی عطر جذب بدن یا لباس احرام گزار نشود. شماری از فقیهان امامی و اهل سنت در صورتی که قصد او از این کار استشمام بوی خوش باشد، چنین کارهایی را مکروه یا حرام شمرده‌اند.^۳ نشستن در محلی که بخور عطر در آن جا وجود دارد، نیز بر پایه فقه شافعی مکروه است.^۴

۵. حمل کردن عطر در ظرف: جابه‌جا

کردن عطر در ظرف در بسته به باور فقیهان حرام نیست؛ ولی در صورتی که آن ظرف در بسته نباشد یا جابه‌جا کردن به قصد استشمام صورت گیرد، شماری از فقیهان به حرمت این کار باور دارند.^۵

۶. استنشاق و حقنه ماده معطر:

استنشاق ماده خوشبو از راه بینی (سَعوط) به

باور بسیاری از فقها^۶ بر محرم ممنوع است؛ هر چند به باور بعضی، حرام و موجب کفاره نیست.^۷ شماری از فقیهان، حقنه کردن ماده خوشبو را نیز بر احرام گزار حرام شمرده‌اند.^۸

۷. کاربرد شوینده‌های خوشبو: بر پایه

منابع فقهی، شستن بدن با موادی چون سدر خطمی و اشنان (گیاهی که بیشتر برای شست‌وشو به کار می‌رفته) در صورتی که آمیخته با خوشبوکننده نباشد، بر احرام گزار حرام نیست.^۹ البته بسیاری از فقیهان کاربرد این شوینده‌ها را مکروه و اندکی از فقیهان برخی از آن‌ها را ممنوع شمرده‌اند.^{۱۰} همچنین کاربرد شوینده‌های جدید مانند شامپو و صابون و خمیر دندان در منابع فقهی اهل سنت تجویز شده^{۱۱} و بیشتر فقیهان امامی معاصر از باب احتیاط خودداری از آن‌ها به ویژه شوینده‌های معطر را لازم شمرده‌اند.^{۱۲}

۱. الام، ج ۲، ص ۱۶۶؛ المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۱۹؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۶۹؛ الشرح الکبیر، ابن قدامه، ج ۳، ص ۲۸۱.

۲. نک: روضة الطالبین، ج ۲، ص ۴۰۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۱.

۳. الام، ج ۲، ص ۱۶۶؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۲۸؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۹۹.

۴. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۳۸۹؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۵۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۴۵۶-۴۵۷.

۵. نک: المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۳۶۳؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۲۷۱-۲۷۰.

۶. حاشیة رد المحتار، ج ۲، ص ۵۲۸؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۶۶۶.

۷. صراط النجاة، ج ۱، ص ۲۲۷؛ ج ۲، ص ۲۲۳؛ مناسک حج، ج ۷، ص ۲۰۸.

۱. الام، ج ۲، ص ۱۶۵، ۲۲۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۰۲؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۸۰.

۲. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۳۱.

۳. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۰۱-۳۰۲؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۱.

۴. نک: المجموع، ج ۷، ص ۲۷۵.

۵. المجموع، ج ۷، ص ۲۷۵؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۵؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۳۰-۲۳۱.

۶. المغنی، ج ۳، ص ۳۰۱؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۲؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۵.

▼ **أ. خَلُوقِ كَعْبِهِ:** به باور فقیهان امامی^۸ و شماری از فقیهان اهل سنت^۹ از جمله مالکیان، خَلُوقِ كَعْبِهِ (عطر ویژه پوشش کعبه) به پشتوانه احادیث^{۱۰} از حکم حرمت استشمام بر احرام گزار استثناء گشته و بهره بردن از آن موجب کفاره قلمداد نشده است. البته اگر بدن یا لباس احرام گزار به مقداری فراوان از خَلُوقِ كَعْبِهِ آغشته شود، مالکیان رفع آن را واجب دانسته‌اند.^{۱۱} مقصود از خَلُوقِ كَعْبِهِ، عطری ویژه مرکب از موادی چون زعفران است که کعبه با آن خوشبو می‌شده است.^{۱۲} اندکی از فقیهان این استثناء را افزون بر این عطر خاص، شامل هر عطری شمرده‌اند که کعبه بدان آغشته می‌شود.^{۱۳} (← خَلُوقِ كَعْبِهِ)

▼ **ب. عَطْرُ بَازَارِ عَطْرِفَرُوشَانِ مِیَانِ صَفَا وَ مَرُوه:** به باور فقیهان امامی^{۱۴}، به پشتوانه حدیثی^{۱۵}، عبور هنگام سعی از بازار

۸. المقنعه، ص ۴۳۲؛ رسائل المرتضی، ج ۳، ص ۶۶ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۲۴.
 ۹. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۵۷؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۳۳.
 ۱۰. المصنف، ج ۴، ص ۲۸۸؛ التهذیب، ج ۵، ص ۶۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۴۹-۴۵۰.
 ۱۱. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۲۳؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۶۳.
 ۱۲. نک: کشف اللثام، ج ۵، ص ۳۴۹-۳۵۰؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۲۲؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۶۲.
 ۱۳. نک: مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۵۳-۲۵۴؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۲۲؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۶.
 ۱۴. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۶؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۲۴-۱۲۵.
 ۱۵. نک: الکافی، ج ۴، ص ۳۵۴.

▼ **۸. کاربرد لباس رنگ شده با ماده خوشبو:** به باور فقیهان^۱ استفاده کردن احرام گزار از لباسی که با مواد معطر (طیب) مانند زعفران و گل‌های خوشبو رنگ آمیزی شده، ممنوع است؛ مگر آن که بوی خوش رنگ از میان رفته باشد. ولی اگر لباس با موادی رنگ شده باشد که عرفاً مصداق «طیب» نیستند، کاربرد آن جایز است. مثلاً پوشیدن لباسی که با عُصْفُر (گیاهی سرخ رنگ) رنگ شده، به باور امامیان^۲، شافعیان^۳ و حنبلیان^۴ که آن را طیب نمی‌دانند، جایز و به باور حنفیان^۵ و مالکیان^۶ که آن را مصداق طیب می‌شمرند، حرام یا مکروه است. البته مالکیان میان لباس رنگ شده «مُفَدَم» که از رنگ خوشبو اشباع شده و «مورَد» که از رنگ اشباع نشده، تفاوت‌هایی را بر شمرده‌اند.^۷

◀ **موارد استثناء:** فقیهان، به ویژه فقهای امامی، برخی مصداق‌های بوی خوش یا کاربردهای آن را از شمول حکم حرمت مستثنا دانسته‌اند. این موارد عبارتند از:

۱. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۱۹، ۳۵۰؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۸؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۱۴.
 ۲. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۱.
 ۳. المجموع، ج ۷، ص ۲۸۲.
 ۴. المغنی، ج ۳، ص ۲۹۶.
 ۵. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۶؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۵.
 ۶. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۱۵.
 ۷. نک: مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۱۴-۲۱۵.

عطرفروشان که بیشتر در محوطه میان صفا و مروه قرار داشته و استشمام بوی عطر موجود در فضای آن جا بر احرام گزار حرام نیست. شماری از فقیهان امامی^۱ و اهل سنت^۲ به طور کلی عبور از هر بازار عطرفروشی و استشمام بوی آن را در حال احرام جایز و شماری از اهل سنت^۳ از جمله مالک، آن را مکروه شمرده‌اند.

▼ ج. نیاز و اضطرار: همه فقیهان امامی^۴ و اهل سنت^۵ در صورت اضطرار و حتی نیاز، کاربرد بوی خوش را برای احرام گزار روا شمرده‌اند. پشتوانه آنان، احادیث گوناگون^۶ ناظر بر جایز بودن کارهایی چون خوردن، سرمه کشیدن، استنشاق کردن و مالیدن مواد خوشبو مانند روغن به بدن برای مداوا یا نیازهای ضروری دیگر است. گاهی هم فقیهان از باب جمع میان روایات، مفاد احادیث تجویز کننده عام را بر صورت اضطرار حمل کرده‌اند.^۷

▼ د. استهلاك ماده خوشبوکننده: به تصریح فقها^۸ و به پشتوانه احادیث، اگر ماده معطر مانند زعفران به گونه‌ای با ماده‌ای دیگر مخلوط و در آن مستهلك شود که از نظر عرف، مصداق «طیب» نباشد، کاربرد آن مانند خوردن بر احرام گزار حرام نیست؛ به ویژه اگر همه ویژگی‌های آن ماده یعنی بو و رنگ و طعم آن از میان رفته باشد. البته اگر تنها بوی ماده خوشبو باقی مانده باشد، بیشتر فقیهان به حرمت آن باور دارند.^۹ به دیدگاه شماری از فقیهان، در صورتی که تنها بوی ماده معطر از میان رفته و دو وصف دیگر باقی مانده باشد، نیز کاربرد آن جایز است.^{۱۰} ولی برخی امامیان، حنبلیان و شافعیان در فرضی که طعم یا رنگ باقی مانده باشد، استفاده از آن را ممنوع دانسته‌اند.^{۱۱} در صورتی که عین ماده خوشبو باقی مانده، ولی بوی آن از میان رفته باشد، مالکیان به ممنوعیت کاربرد آن باور دارند.^{۱۲} همچنین در صورتی که بوی ماده خوشبوکننده بر اثر مرور زمان از میان رفته باشد، کاربرد آن

۱. مجمع الفائدة، ج ۶، ص ۲۸۹؛ کتاب الحج، ج ۲، ص ۹۴.

۲. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۱؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۲۰.

۳. نک: المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۵۶؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۱.

۴. السرائر، ج ۱، ص ۵۴۵؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۲۳؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۲۷.

۵. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۱؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۳۵؛ حاشیة الدسوقي، ج ۲، ص ۶۱.

۶. نک: وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۴۴۷-۴۴۸.

۷. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۰؛ الجوهر النقی، ج ۵، ص ۵۹.

۸. المجموع، ج ۷، ص ۲۷۳؛ منی المحتاج، ج ۱، ص ۵۲۰؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۲۴.

۹. المنی، ج ۳، ص ۲۹۹-۳۰۰؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۵۸؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۴.

۱۰. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۴؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۲۷؛ مستند الشیعة، ج ۱۱، ص ۲۷۷-۲۷۸.

۱۱. المنی، ج ۳، ص ۳۰۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۳، ۲۸۲؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۵۴.

۱۲. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۲۸-۲۲۹.

مشمول کفاره دانسته‌اند.^۷ فقیهان اهل سنت نیز تقریباً همین باور را دارند.^۸ اندکی از فقیهان امامی بر آنند که کفاره طیب تنها در چند مصداق ویژه طیب که در احادیث یاد شده، مطابق با نظر غیر مشهور واجب است.^۹ کاربرد عمدی طیب به دست شخص فاقد حس بویایی (آخشم) موجب کفاره است.^{۱۰} از آن جا که حرمت کاربرد بوی خوش، حکمی پیوسته و شامل همه لحظات احرام است، در صورتی که احرام گزار پس از کاربرد آن به سبب فراموشی یا اجبار یا اکراه در زمان مناسب به رفع آن اقدام نکند، کفاره بر او واجب می‌شود.^{۱۱} همچنین در صورتی که خود به خود ماده‌ای خوشبو به بدن و لباس او بچسبند و او در زایل کردن آن در زمان مناسب اهمال کند^{۱۲}، حنفیان استشمام بوی خوش را موجب کفاره نمی‌دانند.^{۱۳}

کفاره بوی خوش در فقه امامی، به پشتوانه احادیث، قربانی کردن یک گوسفند

به باور بیشتر فقیهان جایز است.^۱ ولی مالک در این فرض و نیز در حالی که بر اثر شسته شدن لباس رنگ آمیزی شده، عین ماده خوشبو یا رنگ آن باقی مانده و بوی آن از میان رفته باشد، کاربرد آن را مکروه شمرده است.^۲

◀ **کفاره بوی خوش:** کاربرد عمدی بوی خوش در حال احرام، از نگاه فقیهان امامی^۳ و اهل سنت^۴ موجب کفاره است. در بیشتر منابع پیشین امامی، تنها برخی کاربردهای طیب مشمول کفاره قلمداد شده‌اند؛^۵ همچنان که بر پایه احادیث، تنها یک یا دو گونه از این کاربردها از جمله روغن مالیدن و تناول کردن کفاره دارند.^۶ با این همه، فقیهان امامی بیشتر به پشتوانه اجماع، همه مصداق‌های ممنوع طیب و نیز همه روش‌های کاربرد بوی خوش از جمله استفاده آن به صورت عطر، خوراک، بخور، سرمه، رنگ، استنشاق و روغن (پماد) و نیز لمس کردن را

۷. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۲۵۳؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۶؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۳۱.

۸. نک: المجموع، ج ۷، ص ۲۶۹؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۳۵-۲۳۸.

۹. الکافی، حلبی، ص ۲۰۴؛ المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۲.

۱۰. المجموع، ج ۷، ص ۲۷۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۳۵.

۱۱. المجموع، ج ۷، ص ۳۳۸، ۳۴۰؛ تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۱۲.

۱۲. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۶۲؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۸؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۶۲.

۱۳. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۱؛ البحر الرائق، ج ۳، ص ۴.

۱. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۱۹؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۹۵؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۳.

۲. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۱۴.

۳. الدرر، ج ۱، ص ۳۷۵؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۷۰-۴۷۱؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۳۱.

۴. الام، ج ۲، ص ۱۶۶، ۲۲۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۷۷؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۲۸.

۵. نک: مستند الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۶۶.

۶. مستند الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۶۷-۲۶۹؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۲۵-۱۲۸.

است؛ همچنان که حنفیان نیز کفاره کاربرد عمدی و بدون عذر بوی خوش را همین دانسته‌اند.^۲ البته وجوب این کفاره منوط به آن است که دست کم يك عضو کامل به ماده خوشبوکننده آغشته شده باشد و در صورت آغشته شدن بخشی از يك عضو به عطر، کفاره آن اطعام يك مسکین (صدقه دادن) است.^۳ ولی به باور دیگر مذاهب چهارگانه اهل سنت، به گونه مطلق و نیز به دیدگاه حنفیان در صورت به کار بردن طیب به سبب عذر، کفاره بوی خوش عبارت است از تخییر میان سه گزینه: قربانی کردن يك گوسفند، اطعام شش مسکین، و سه روز روزه گرفتن.^۴ البته سخنانی دیگر نیز در این مذاهب یاد شده است.^۵ در پاره‌ای روایت‌های شیعی^۶ کفاره طیب صدقه دادن یاد شده است که افزون بر مناقشه سندی و دلالتی^۷، در منابع گوناگون فقهی بر موارد ویژه حمل شده است؛ از جمله کفاره کاربرد بوی خوش در حال اضطرار و نیاز، کفاره

طیب در صورت جهل و فراموشی، و حمل بر استحباب^۸. کاربرد طیب به سبب جهل یا اشتباه و یا فراموشی، به باور مشهور فقیهان امامی^۹ و شماری از فقیهان اهل سنت^{۱۰} از جمله بیشتر حنبلیان و شافعیان، مشمول کفاره نیست. ولی دیگر فقیهان اهل سنت در صورت کاربرد بوی خوش به سبب فراموشی یا جهل نیز کفاره را واجب دانسته‌اند.^{۱۱} حتی برخی شافعیان در صورت کاربرد چیزی خوشبو با علم به حکم و جهل به وجوب کفاره یا ناآگاهی از طیب بودن آن (جهل به موضوع) به وجوب کفاره باور دارند.^{۱۲} اگر کاربرد بوی خوش برآمده از اکراه باشد، کفاره واجب نیست.^{۱۳} در موارد اضطرار به کاربرد طیب، گاهی ادای کفاره واجب به شمار رفته است؛ از جمله درباره کاربرد روغن یا داروی خوشبو.^{۱۴} اگر احرام گزار به گونه مکرر به کاربرد

۸. الدروس، ج ۱، ص ۳۷۵؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۴۳۱؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۳۲-۴۳۳.
 ۹. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۷۲؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۱۷، ۳۵۰؛ ج ۸، ص ۱۳؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۴۳۱.
 ۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۵۲۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۳۸.
 ۱۱. المغنی، ج ۳، ص ۵۲۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۴۳.
 ۱۲. المجموع، ج ۷، ص ۳۴۰.
 ۱۳. المجموع، ج ۷، ص ۳۴۰؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۸.
 ۱۴. نک: المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۰-۳۵۱؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۱.

۱. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۷۰-۴۷۱؛ الدروس، ج ۱، ص ۲۷۵.
 ۲. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۹-۱۹۰.
 ۳. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۲؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۹-۱۹۰.
 ۴. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۱؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۷۷؛ کشاف القناع، ج ۲، ص ۵۲۴-۵۲۵.
 ۵. نک: المجموع، ج ۷، ص ۳۷۷-۳۷۸.
 ۶. نک: الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۳۵۳-۳۵۴؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۱۷۸.
 ۷. نک: المعتمد، ج ۴، ص ۱۲۸-۱۲۹.

رمی جمره عقبه و قربانی کردن^۴، تحلل از طیب حاصل می‌گردد.^۵ برخی فقهاء این تحلل را منوط به آن دانسته‌اند که طواف و سعی پیش از اعمال مناجام شده باشد. ولی دیگر افراد آنان، به پشتوانه اطلاق ادله، چنین شرطی را نپذیرفته‌اند.^۶ به باور مشهور فقیهان امامی^۷، به دلیل احادیث گوناگون^۸، در احرام حج تمتع با حصول تحلل اول (وقوع حلق یا تقصیر پس از رمی جمره عقبه و ذبح قربانی^۹) حرمت کاربرد بوی خوش پایان نمی‌پذیرد، مگر آن که پیشتر طواف زیارت ادا شده باشد. البته مفاد بعضی روایات^{۱۰} در منابع شیعی بر حلیت طیب پس از تحلل اول (حلق یا تقصیر) دلالت دارد که فقیهان آن‌ها را قابل تخصیص شمرده یا بر تقیه یا بر غیر حج تمتع حمل کرده‌اند.^{۱۱} ولی به پشتوانه روایت‌های پیشین، ابن ابی عقیل

بوی خوش اقدام کند، به باور شماری از فقیهان، در صورتی که این کارها در يك زمان صورت گیرد، تنها يك كفاره و در غیر این صورت، كفاره‌های گوناگون واجب خواهد شد.^۱

شماری دیگر در صورت تقارب زمانی وقوع اسباب گوناگون (اتحاد مجلس)، به تداخل كفارات (وجوب يك كفاره) باور دارند و بعضی اتحاد صنف را معیار تداخل شمرده‌اند.^۲ (← كفاره)

◀ **سایر احکام:** افزون بر حکم اصلی حرمت کاربرد بوی خوش در حال احرام، احکامی دیگر نیز درباره موضوع بوی خوش وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها چگونگی تحلل محرم از طیب در احرام حج و عمره است. این احکام عبارتند از:

۱.۷. تحلل از طیب: به باور فقیهان

امامی^۳، در احرام عمره خواه مفرده و خواه تمتع، با انجام شدن حلق یا تقصیر، کاربرد بوی خوش بر احرام گزار حلال می‌شود. در احرام حج قران و افراد به پشتوانه احادیث، با انجام حلق یا تقصیر پس از دیگر اعمال منا یعنی

۱. الخلاف، ج ۲، ص ۲۹۹؛ المغنی، ج ۳، ص ۵۲۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۷۶.
۲. نک: المجموع، ج ۷، ص ۳۷۸-۳۷۹، ۳۸۲؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۵۵۲؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۳۵-۴۳۶.
۳. النهایه، ص ۲۴۵-۲۴۶؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۸۰؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۴۳، ۳۳۹.

۴. مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۰۵.
۵. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۷۷؛ السرائر، ج ۱، ص ۶۰۱؛ الوسيله، ص ۱۸۷.
۶. الدروس، ج ۱، ص ۴۵۵.
۷. الحدائق، ج ۱۷، ص ۲۵۸-۲۵۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۵۷.
۸. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۷۶-۳۷۷؛ الحدائق، ج ۱۷، ص ۲۵۰.
۹. نک: الحدائق، ج ۱۷، ص ۲۵۲-۲۵۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۵۱-۲۵۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۳۲-۲۳۶.
۱۰. الدروس، ج ۱، ص ۴۵۵؛ الحدائق، ج ۱۷، ص ۲۶۱؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۵۶.
۱۱. نک: الحدائق، ج ۱۷، ص ۲۵۳-۲۵۵؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۵۴.
۱۲. مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۰۳-۱۰۴؛ الحدائق، ج ۱۷، ص ۲۵۵-۲۵۷؛ المعتمد، ج ۵، ص ۳۲۴-۳۲۵.

نهی را در صحیحہ محمد بن اسماعیل^۸ که این کار را تا طواف نساء ممنوع شمرده است، کراہت دانسته یا آن را بر وجوہی دیگر قابل حمل شمرده‌اند.^۹

به باور فقیهان اهل سنت، در عمره مفرده و نیز عمره تمتع، با حصول تحلل که با انجام شدن حلق یا تقصیر تحقق می‌یابد (← تحلل) همه محرمات احرام از جمله بهره بردن از بوی خوش بر شخص محرم حلال می‌شود.^{۱۰} بر پایه دیدگاه مشهور در فقه اهل سنت^{۱۱}، در حج با انجام شدن دو کار از سه واجب حج یعنی رمی جمره عقبه، حلق یا تقصیر و طواف، تحلل اول رخ می‌دهد و با انجام شدن کار سوم، تحلل دوم یا تحلل اکبر حاصل می‌شود. البته به باور برخی، تحلل اول با رمی جمره عقبه و بر پایه نظری دیگر، با حلق محقق می‌گردد.^{۱۲} از دیدگاه فقیهانی که حلق را «نُسْكَ» نمی‌دانند، تحلل اول با انجام شدن یکی از دو کار دیگر تحقق می‌یابد.^{۱۳} به باور فقیهان

عمانی و اندکی دیگر از فقیهان در حج تمتع به کراہت کاربرد بوی خوش پس از تحلل اول تا هنگام تحلل دوم باور دارند.^۱ اندکی از فقیهان امامی، بر خلاف نظر مشهور، برآنند که در صورت تقدّم طواف زیارت بر اعمال منا در حج قران یا افراد یا به سبب اضطرار در حج تمتع، با ادای طواف و سعی، تحلل از طیب حاصل می‌شود.^۲ در احرام حج تمتع، تحلل از بوی خوش پس از تحلل دوم تحقق می‌یابد و تحلل دوم به باور شماری از فقیهان امامی^۳ پس از ادای طواف و نماز طواف^۴ و به باور بیشتر آنان^۵ پس از انجام دادن سعی حاصل می‌گردد و پشتوانه آن احادیث و استصحاب است.^۶

بر پایه فقه امامی^۷، کاربرد بوی خوش در حج تمتع پس از طواف زیارت تا هنگام ادای طواف نساء مکروه است. فقیهان مقصود از

۱. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۳۹۸؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۰۵؛ قس: جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۵۴.
۲. نک: مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۲۴-۳۲۵؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۰۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۵۸.
۳. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۷۷؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۹۸؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۴۵.
۴. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۵۸.
۵. الکافی، حلبی، ص ۲۱۶؛ الدرر، ج ۱، ص ۴۵۵؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۲۴.
۶. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۳۰۰؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۰۶؛ الحدائق، ج ۱۷، ص ۲۶۱-۲۶۲.
۷. النهایه، ص ۲۶۳؛ السرائر، ج ۱، ص ۶۰۲؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۹۸.

۸. الاستبصار، ج ۲، ص ۲۹۰.
۹. تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۴۵؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۰۹؛ الحدائق، ج ۱۷، ص ۲۷۱.
۱۰. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۰۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۴۰۹، ۴۱۱؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۳۲.
۱۱. المغنی، ج ۳، ص ۴۶۷؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۲۴-۲۲۵.
۱۲. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۴۰-۱۴۲؛ الشرح الکبیر، ابوالبرکات، ج ۲، ص ۴۵.
۱۳. فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۷۳-۳۷۴؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۲۴-۲۲۵.

آن واجب است. این وجوب، فوری است.^۸ بیشتر فقیهان به پشتوانه احادیث، بر آنند که احرام گزار خود می‌تواند به رفع بوی خوش بپردازد. حتی اندکی از آن‌ها به پشتوانه احادیث یاد شده گفته‌اند که اگر ازاله بوی خوش مستلزم بوییدن باشد، استشمام هم جایز است.^۹ ولی برخی از آن‌ها باور دارند که احرام گزار نباید خود این کار را انجام دهد؛ بلکه لازم است فردی غیر محرم را به این کار وادارد یا با واسطه ابزاری این کار را انجام دهد تا عطر را لمس نکند.^{۱۰} شماری از فقیهان درخواست رفع بوی خوش از غیر محرم را مستحب دانسته‌اند.^{۱۱} اگر احرام گزار اندکی آب همراه داشته باشد که برای رفع بوی خوش و وضو گرفتن کافی نباشد، شماری از فقیهان به وجوب زایل کردن بوی خوش با آب و طهارت با تیمم باور دارند؛ زیرا طهارت با آب دارای بدل است. برخی به تخییر باور دارند. ولی دیگر فقیهان بر آنند که طهارت با آب مقدم است و کاربرد بوی خوش به سبب فقدان آب جایز به شمار می‌رود.^{۱۲} شماری از

مذاهب اهل سنت جز مالکیان، پس از تحلل اول، جز مباشرت جنسی و نکاح همه محرمات احرام از جمله کاربرد بوی خوش بر محرم حلال می‌شود.^۱ پشتوانه این نظر، چند روایت و نیز گزارش عایشه از حج پیامبر ﷺ است که پیامبر پیش از ادای طواف زیارت بوی خوش به کار برد.^۲ ولی مالکیان به پشتوانه سخنی از عمر بن خطاب بر آنند که پس از تحلل اول، کاربرد بوی خوش هم بر احرام گزار حلال نمی‌شود و حرمت آن تا هنگام تحلل دوم ادامه دارد.^۳ شافعی استناد به روایت عمر را نپذیرفته است.^۴ به باور شافعیان، پس از تحلل اول تا حصول تحلل دوم، کاربرد بوی خوش جایز و بلکه مستحب است.^۵

۲۷. وجوب زایل کردن عطر از بدن و

لباس: اگر هنگام احرام بدن یا لباس احرام گزار بی‌اختیار یا با اختیار آغشته به عطر شود، به دیدگاه همه فقیهان امامی^۶ و اهل سنت^۷، برطرف کردن بوی خوش از بدن و لباس با روش‌هایی چون شستن یا عوض کردن

۱. الام، ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۵، ۲۴۱: المغنی، ج ۳، ص ۴۶۲-۴۶۳؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۲۵.
۲. نک: المغنی، ج ۳، ص ۴۶۲-۴۶۳.
۳. المغنی، ج ۳، ص ۴۶۳؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۱۸۵.
۴. الام، ج ۷، ص ۲۲۷.
۵. المجموع، ج ۸، ص ۲۳۳-۲۳۴.
۶. النهایه، ص ۲۱۹؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۴۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۸.
۷. الام، ج ۲، ص ۲۲۳.

۸. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۲۲.
۹. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۲۵-۴۲۶؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۹.
۱۰. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۲۶.
۱۱. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۲؛ المغنی، ج ۳، ص ۵۲۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۷۵.
۱۲. المجموع، ج ۷، ص ۲۷۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱۰؛ ج ۸، ص ۱۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۳۳.

فقیهان در صورت اصابه بوی خوش در وقت، طهارت را مقدم شمرده‌اند و در غیر این صورت، ازاله بو را مقدم دانسته‌اند.^۱

۳.۷. وجوب گرفتن بینی از بوی خوش:

در صورتی که احرام گزار ناخواسته در فضای آکنده از بوی خوش قرار گیرد، به باور فقیهان امامی^۲، به پشتوانه احادیث^۳، واجب است بینی خود را بگیرد تا بوی خوش را استشمام نکند. همچنین است هنگامی که احرام گزار مضطر به دیگر کاربردهای مواد خوشبو مانند لمس کردن یا خوردن شود یا به تصرفات مجاز در مواد خوشبو مانند خرید و فروش پردازد؛ زیرا اضطرار به يك گونه کاربرد بوی خوش، موجب جواز کاربردهای دیگر آن نمی‌گردد، بلکه باید به مورد اضطرار اکتفا شود.^۵ البته شماری از فقیهان گفته‌اند که امر به گرفتن بینی در احادیث یاد شده، قابل حمل بر استحباب است.^۶

۴.۷. حرمت گرفتن بینی از بوی بد:

به باور مشهور فقیهان امامی^۷، به پشتوانه

احادیثی^۸ از امامان علیهم‌السلام هر گاه احرام گزار در معرض بوی ناخوشایند قرار گیرد، گرفتن بینی برای احتراز از استشمام بوی بد حرام است، هر چند انجام دادن این کار موجب کفاره نیست.^۹ البته شماری از فقیهان^{۱۰} از باب احتیاط به این حکم ملتزم شده‌اند. به باور برخی از باورداران به حرمت، دلالت احادیث یاد شده بر حرمت خدشه‌ناپذیر است.^{۱۱}

منابع

الاستبصار: الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش موسوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش؛ الاستذکار: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ ق.)، به کوشش سالم عطا و محمد معوض، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۰ م؛ اضواء البیان: محمد امین الشنقیطی (م. ۳۹۳ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق؛ اعانة الطالبین: السید البکری الدمیاطی (م. ۳۱۰ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۸ ق؛ الام: الشافعی (م. ۲۰۴ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ ق؛ البحر الرائق: ابونجیم المصری (م. ۹۷۰ ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق؛ بدائع الصنائع: علاء الدین الکاسانی (م. ۵۸۷ ق.)، پاکستان، المكتبة الحبیبیه، ۱۴۰۹ ق؛ تحریر الاحکام الشرعیه: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ ق.)، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه‌السلام، ۱۴۲۰ ق؛ تحفة الفقهاء: علاء الدین السمرقندی (م. ۵۳۹/۵۳۵ ق.)، بیروت، دار

۱. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۲۷.

۲. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۲۵؛ کشف الغطاء، ج ۲، ص ۱۰۶؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۶-۳۷۷.

۳. التهذیب، ج ۵، ص ۳۰۵.

۴. النهایه، ص ۲۱۹.

۵. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۲۲-۴۲۳؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷۶-۳۷۷.

۶. الاستبصار، ج ۲، ص ۱۸۰-۱۸۱.

۷. المقنع، ص ۴۳۲؛ النهایه، ص ۲۱۹؛ الدروس، ج ۱، ص ۳۷۴.

۸. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۵۲-۴۵۳.

۹. مناسک حج، ص ۲۰۸.

۱۰. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۲۵؛ کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۲۹۸.

۱۱. کتاب الحج، ج ۲، ص ۹۵-۹۷.

الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ تذکره الفقهاء: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق؛ تنویر الحوالمک: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، به کوشش محمد الخالیدی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ جامع المقاصد: الکرکی (م. ۹۴۰ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۱ق؛ الجامع للشرائع: یحیی بن سعید الحلی (م. ۹۰۰ق.)، به کوشش گروهی از فضلا، قم، سید الشهداء، ۱۴۰۵ق؛ جواهر الکلام: النجفی (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش قوجانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ الجوهر النقی: الماردینی (م. ۷۵۰ق.)، دار الفکر؛ حاشیه الدسوقی: الدسوقی (م. ۱۲۳۰ق.)، احیاء الکتب العربیه؛ حاشیه رد المحتار: ابن عابدین (م. ۱۲۵۲ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ الحدائق الناضره: یوسف البحرانی (م. ۱۱۸۶ق.)، به کوشش آخوندی، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۳ش؛ الخلاف: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش خراسانی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۷ق؛ السدروس الشرعیه: الشهید الاول (م. ۷۸۶ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق؛ ذخیره المعاد: محمد باقر السبزواری (م. ۱۰۹۰ق.)، آل البيت (ع)؛ رسائل المرتضی: السید المرتضی (م. ۴۳۶ق.)، به کوشش حسینی و رجایی، قم، دار القرآن، ۱۴۰۵ق؛ روضة الطالبین: النووی (م. ۶۷۶ق.)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ السرائر: ابن ادريس (م. ۵۹۸ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق؛ شرائع الاسلام: المحقق الحلی (م. ۶۷۶ق.)، به کوشش سید صادق شیرازی، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ق؛ الشرح الكبير: ابوالبرکات (م. ۱۲۰۱ق.)، مصر، دار احیاء الکتب العربیه؛ الشرح الكبير: عبدالرحمن بن قدامه (م. ۶۸۲ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛

الصالح: الجوهری (م. ۳۹۳ق.)، به کوشش العطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق؛ صحیح البخاری: البخاری (م. ۲۵۶ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق؛ صحیح مسلم بشرح النووی: النووی (م. ۶۷۶ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق؛ صحیح مسلم: مسلم (م. ۲۶۱ق.)، بیروت، دار الفکر؛ صراط النجاة: میرزا جواد التبریزی، برگزیده، ۱۴۱۶ق؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م. ۲۲۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ عمدة القاری: العینی (م. ۸۵۵ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ العین: خلیل (م. ۱۷۵ق.)، به کوشش المخزومی و السامرائی، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ فتح العزیز: عبدالکریم بن محمد الرافعی (م. ۶۲۳ق.)، دار الفکر؛ الفقه الاسلامی و ادلته: وهبة الزحيلي، دمشق، دار الفکر، ۱۴۱۸ق؛ فقه السنه: سید سابق، بیروت، دار الکتب العربی؛ الفقه على المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت (ع): عبدالرحمن الجزیری، محمد غروی و مازح یاسر، بیروت، الثقلین، ۱۴۱۹ق؛ قواعد الاحکام: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق؛ الکافی فی الفقه: ابوالصلاح الحلی (م. ۴۴۷ق.)، به کوشش استادی، اصفهان، مکتبه امیر المؤمنین (ع)، ۱۴۰۳ق؛ الکافی: کلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ کتاب الحج: تقرير بحث کلیایگانی، الصابری، قم، الخیام، ۱۴۰۰ق؛ کشف القناع: منصور البهوتی (م. ۱۰۵۱ق.)، به کوشش محمد حسن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ کشف اللثام: الفاضل الهندی (م. ۱۱۳۷ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ کفاية الاحکام (کفاية الفقه): محمد باقر السبزواری (م. ۱۰۹۰ق.)، به کوشش الواعظی، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۲۳ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛

المبسوط فی فقه الامامیه: الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش بهبودی، تهران، المكتبة المرتضویه؛ **المبسوط: السرخسی** (م. ۴۸۳ ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق؛ **مجمع الزوائد: الهیثمی** (م. ۸۰۷ ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۲ ق؛ **مجمع الفائدة و البرهان: المحقق الاردبیلی** (م. ۹۹۳ ق.)، به کوشش عراقی و دیگران، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق؛ **المجموع شرح المذهب: النووی** (م. ۶۷۶ ق.)، دار الفکر؛ **المحلی بالأثار: ابن حزم الاندلسی** (م. ۴۵۶ ق.)، به کوشش احمد شاکر، بیروت، دار الفکر؛ **مختلف الشیعه: العلامة الحلی** (م. ۷۲۶ ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق؛ **مدارک الاحکام: سید محمد بن علی الموسوی العاملی** (م. ۱۰۰۹ ق.)، قم، آل البيت (ع)؛ **۱۴۱۰ ق؛ المدونة الكبرى: مالک بن انس** (م. ۱۷۹ ق.)، مصر، مطبعة السعادة؛ **المراسم العلویه: سار حمزة بن عبدالعزيز** (م. ۴۴۸ ق.)، به کوشش حسینی، قم، المجمع العالمي لاهل البيت (ع)؛ **۱۴۱۴ ق؛ مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام: الشهيد الثاني** (م. ۹۶۵ ق.)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ ق؛ **مستند الشیعه: احمد النراقی** (م. ۱۲۴۵ ق.)، قم، آل البيت (ع)؛ **۱۴۱۵ ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل** (م. ۲۴۱ ق.)، بیروت، دار صادر؛ **المصنّف: ابن ابی شیبہ** (م. ۲۳۵ ق.)، به کوشش سعید محمد، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق؛ **المعتمد فی شرح المناسک: محاضرات الخوئی** (م. ۴۱۳ ق.)، الخلیف، قم، مدرسة دار العلم، ۱۴۱۰ ق؛ **معجم علوم القرآن: ابراهیم محمد الجرمی، دمشق، دار القلم، ۱۴۲۲ ق؛ مغنی المحتاج: محمد الشربینی** (م. ۹۷۷ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ ق؛ **المغنی: عبدالله بن قدامه** (م. ۲۰ ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ **المقنع: الصدوق** (م. ۳۸۱ ق.)، قم، مؤسسه الامام الهادی (ع).

۱۴۱۵ ق؛ **المقنعه: المفید** (م. ۴۱۳ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ ق؛ **من لا یحضره الفقیه: الصدوق** (م. ۳۸۱ ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق؛ **مناسک حج (محشی): محمدرضا محمودی، تهران، مشعر، ۱۴۲۹ ق؛ منتهی المطلب: العلامة الحلی** (م. ۷۲۶ ق.)، چاپ سنگی؛ **مواهب الجلیل: الحطاب الرعینی** (م. ۹۵۴ ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق؛ **الموطأ: مالک بن انس** (م. ۱۷۹ ق.)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ ق؛ **المهذب: القاضی ابن البراج** (م. ۴۸۱ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۶ ق؛ **النهایه: الطوسی** (م. ۴۶۰ ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۰ ق؛ **وسائل الشیعه: الحر العاملی** (م. ۱۱۰۴ ق.)، قم، آل البيت (ع)؛ **۱۴۱۲ ق؛ الوسيلة الى نیل الفضیله: ابن حمزه** (م. ۵۶۰ ق.)، به کوشش الحسون، قم، مكتبة النجفی، ۱۴۰۸ ق.

سید رضا هاشمی



بیان واقع: کتابی فارسی درباره زندگی و حکومت نادر شاه افشار حاوی سفرنامه حج، اثر عبدالکریم کشمیری (م. ۱۹۸۰ ق.)

از این کتاب با عناوین سفرنامه کشمیری، تاریخ نادری و «نادر نما» نیز یاد کرده‌اند. (مقدمه انگلیسی: ص ۱۹) **بیان واقع** به گونه اختصاصی به موضوع حج گزارای ایرانیان نپرداخته؛ اما بخشی از آن سفرنامه حج نویسنده از ایران همراه کاروانی ایرانی است و